

عنوان مقاله: ادبیات شفاهی عربی و انواع آن

نویسنده: بلاسم محسنی

منبع: مجله زبان و ادبیات عربی (مجله ادبیات و علوم انسانی سابق) (علمی - پژوهشی)، شماره
نوزدهم - پائیز و زمستان ۱۳۹۷

• جستار پیش رو به بررسی بخشی از ادبیات شفاهی در زبان عربی می پردازد که از دو بخش تشکیل شده است. نخست ریشه های شکل گیری ادبیات شفاهی عربی و عوامل گسترش این ادبیات در بین کشورهای عربی بررسی شده است؛ عواملی مانند شهرنشینی و آشنایی با ادبیات ملل دیگر، فروپاشی خلافت عباسی، دولت مشعشعیان، زمینه های تاریخی مختلف کشورهای عربی و ملی گرایی.

• در ادامه به بررسی ژانرهای ادبیات شفاهی عربی می پردازد. قالبهای کلاسیک ادبیات شفاهی عربی، مانن موالیا و زَجَل و همچنین قالب های نو مانند مربع ، موشحات عامیانه و اشعار کوتاه و نیز انواعی مثل حذاء و رکبانیه مواردی است که در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است . همچنین برای نخستین بار دسته بندی تازه ای از ادبیات شفاهی عربی ارائه شده است . در انتها چنین نتیجه گیری ش ه که ادبیات شفاهی عربی سه دوره مهم تاریخی دارد که مراحل سه گانه پیدایش ادبیات شفاهی عربی را شکل می دهد . به منظور ادامه بحث و مطالعه در زمینه ادبیات شفاهی عربی، پیشنهادهایی نیز مطرح شده است.

ژانرهای ادبیات شفاهی عربی

مقدمه



ویلیام توماس

• ادبیات شفاهی بخشی از «فولکور» است. فولکور از دو واژه «فولک» و «لور» به معنی «دانش عوام» تشکیل شده است. این اصطلاح نخستین بار توسط ویلیام توماس پژوهشگر بریتانیایی، در سال ۱۸۴۶ به کاربرده شد (سوکولوف ، ۲۰۰۰:۱۲۹). از این تاریخ به بعد این اصطلاح نزد جهانیان مقبولیت گسترده یافت و موضوع آن پرداختن به آن قسمت از فرهنگ است که به طور کلی در مقابل فرهنگ رسمی قابل تعریف است ؛ اما حوزه و دامنه تعریف فولکور بسیار وسیع است و در زمینه ادبیات، اصطلاح ادبیات شفاهی بسیار کارآمدتر است.

- « Oral literature » معادل انگلیسی ادبیات شفاهی است که در ابتدای قرن بیستم به کار گرفته شد که البته مفهومی خاص تر نسبت به فولکور دارد و ناظر به آن جنبه از آثار فرهنگ عوام است که بعدی زیبایی شناختی دارد.

بعد زیبایی شناختی

**پیوند دهنده ادبیات مکتوب
و نامکتوب**

قلمرو نوشتار و قلمرو گفتار

• از طرفی دیگر «این اصطلاح دست کم این حُسن را دارد که بر خویشاوندی کارکردی قلمرو نوشتار و قلمرو گفتار که حوزه کاربردهای هنری زبان آدمی را بین خود تقسیم میکنند ، تأکید می گذارد» (مکاریک، ۱۳۸۸: ۲۳). در واقع این اصطلاح پیوند دهنده ادبیات مکتوب و نامکتوب است و ارتباط دوسویه این دو حوزه را نشان می دهد ولی ریشه شناسی اصطلاح oral literature تناقضی را نشان میدهد که آشکارکننده دیدگاه لاتینی زبانان نسب به ادبیات شفاهی است

• Literature از واژه لاتینی littera مشتق شده است و آن نیز از واژه letter گرفته شده، به معنی نامه، حروف الفبا و نص . Litteratura نیز که واژه ای لاتینی است ، به معنی « نوشته متشکل از ادبیات» است (آیتو، ۱۳۸۶:۷۲۴). هنگامی که این واژه را کنار واژه oral به معنی شفاهی قرار می دهیم، این اصطلاح را با تناقض مواجه می سازد، در عین حال به این نکته اشاره دارد که در سنت ادبی لاتین، کتابت پراهمیت تر از سنت شفاهی است و از اعتبار و ارزش بیشتری برخوردار است

نامه، حروف الفبا و نص

• اصطلاح «ادبیات عامیانه» در کنار ادبیات مکتوب و رسمی نیز خالی از اشکال نیست ؛ از یک سو در جایگاه پدید آورنده اثر، توسط عامه مردم به وجود می آید که منجر به ادبیاتی غیر شخصی (impersonal) می شود. حال آنکه ادبیات مکتوب پیوسته مؤلفی یگانه دارد. دیگر اینکه، ادبیاتی عامیانه و غیر هنرمندانه در مقابل ادبیات متعالی و هنرمندانه رسمی و مکتوب به شمار می آید (سوکولوف، ۲۰۰۰:۱۳۳). البته در این زمین می بایست بین دو مقوله مجهول المؤلف بودن و مؤلفی واحد نداشتن یا همان غیرشخصی بودن، تفاوت قائل شد.

مجهول المؤلف بودن و مؤلفی واحد نداشتن

• در زبان عربی اصطلاح «**التراث الشعبي**» معادل فرهنگ عامه اختیار شده که دانش گسترده ای است و ادبیات عامیانه یا «الادب الشعبي» را نیز شامل می شود. «الأدب الدارج» از دیگر اصطلاحات این حوزه می باشد که معادل انگلیسی **popular literature** است. این اصطلاح به دقت انتخاب شده زیرا ناظر بر مخاطب ادبیات شفاهی است. و اشاره ای هم به زبان این آثار دارد که همواره زبان محلی و یا «**اللغة الدارجة**» است. در این پژوهش، ادبیات شفاهی و عامیانه یا عوام پسند را معادل در نظر گرفته ایم، با این تفاوت که هر یک از این اصطلاحات به جنبه ای خاص از این ادبیات توجه نشان می دهد؛ ادبیات شفاهی به نحوه انتقال که سینه به سینه و شفاهی است، ادبیات عامیانه به منشأ و مؤلف، و ادبیات عوام پسند به مخاطب این گونه ادبیات اشاره دارد

- پرسش اصلی این نوشته این است که عوامل پیدایش و رشد ادبیات شفاهی عربی چیست و ژانرهای ادبی این ادبیات کدام است؟



عوامل پیدایش و رشد ادبیات شفاهی عربی

- مطالعات ادبیات شفاهی امروزه در کشورهای عربی از اهمیت و گستردگی فراوانی برخوردار است. نگاهی به آثاری که تحت عنوان الأدب الشعبي در مورد کشورهایایی مثل عراق، مصر، فلسطین، لبنان، سودان و دیگر کشورهای عربی نگاشته شده است و نیز پایان نامه و رساله های تحصیلی ای که در این زمینه کار شده است گویای این مسئله می باشد. اقبال به ادبیات عامیانه در بین این کشورها علل فراوانی دارد. در این جا سعی شده است با در نظر گرفتن روند تاریخی، به عواملی که در پیدایش و رشد ادبیات شفاهی عربی نقش داشتند، اشاره شود.

	الأدب الشعبي

شهرنشینی و آشنایی با ادبیات ملت های دیگر

• ادبیات شفاهی در دوران جاهلی و اموی رشد چندانی نداشت . قالب قصیده در این دوران برترین قالب شعری بود و مردمان عرب مضامین اشعار لود را از فخر و حماسه و غزل و مدح گرفته تا شرح لحظات هجران و فراق در قالب قصیده می سرودند . بزرگ ترین حامی زبان و ادب عربی یعنی دولت اموی، به شدت بر حفظ کیان عربی تاکید می ورزید و بر این نکته اصرار داشت که زبان عربی با دیگر زبان های مردم مغلوب اختلاط نیابد . **از این رو فرزندانشان را به بادیه می فرستادند تا زبان فصیح عربی بیاموزند** (نصار، ۱۹۸۲:۱۴۶). بر خلاف امویان در دوره عباسی، روند رشد ادبیات شفاهی شدت گرفت . در این دوره دروازه های ادبیات عرب به روی فرهنگ ها و ادبیات ملل گوناگون خاصه ایرانیان گشوده شد .



• به عنوان مثال توجه فراوان ادیبان و نویسندگان عرب در این عصر به تاریخ و سیرالملوک، سیاست های شاهی، تدبیر، و پند و ضرب المثل های ایرانیان، باعث شد که جاحظ در نقد اخلاق کاتبان هم عصر خویش، توجه بیش از حد آنان به فرهنگ ایرانی را مورد نکوهش قرار دهد: «اگر کسی خواست یکی از یاران پیامبر را بستاید زبان او بند آمد و پشتش از بسیاری محاسن ایشان خم شد.

جاحظ

• اگر از شریح یادی شد عیبی از او را برشمرد، اگر وصف حسن را شنید بر او سنگین آمد ، اگر از شعبی سخنی رفت احمقش خواند ، اگر نام ابن جبیر را نزدش بردند خود را به نشناختن زد، اگر از نخعی یاد کردند کوچکش شمرد؛ اما چون در مجلس او از سیاست اردشیر بابکان، و تدبیر انوشیروان، و استواری حکومت ساسانیان سخن می رفت تن زدن ها همه پایان می گرفت « جاحظ به نقل از العاکوب ، ۱۳۷۴: ۱۷۴).

سیاست اردشیر بابکان، و تدبیر انوشیروان، و
استواری حکومت ساسانیان

• در این دوره مردم هر چه بیشتر از بادیه و بدوی بودن و زبان آن فاصله گرفتند و به سمت حضر و شهر کشیده شدند تا جایی که قومیت های مختلف در هم آمیختند و لهجه های عامیانه شکل گرفت . روحیه شهرنشینی باعث شد که ادبای عرب از شکل مرسوم و سنتی قصاید عربی منصرف گردند و به اشکال و اوزان جدیدی روی آورند که نتیجه تمدن جدید و روحيات و رفاه شهرنشینی بود. قالب های جدید مانند موشح و زجل و موالیا از جمله این نوآوری ها در ادبیات عامیانه است (نک. دودپوتا، ۱۳۸۲: ۷۶). به طور خاص یکی از علل پیدایش شعر موشح، آمیزش عرب در اسپانیا با بیگانگان و اطلاع از آداب و آهنگ های مردمی آنها بود مخصوصاً آهنگ هایی که از قید قوافی و اوزان آزاد بودند (الفاخوری، ۱۳۸۸: ۵۸۴).

قالب های جدید مانند
موشح و زجل و موالیا

آمیزش عرب در اسپانیا با
بیگانگان و اطلاع از آداب و
آهنگ های مردمی

فروپاشی خلافت عباسی

- همان گونه که آغاز دول عباسیان پیدایش ادبیات عامیانه را در پی داشت، فروپاشی آن منجر به گسترش و شکوفایی این ادبیات شد. در پی فروپاشی خلافت عباسیان، ادبیات رسمی و ژانر قدرتمند آن یعنی قصیده، بزرگ ترین حامی خود را از دست داد تا ژانرهای دیگر مخصوصاً ژانرهای ادبیات شفاهی، فرصت بیشتری برای مطرح شدن داشته باشند. از این رو ادبیات شفاهی عربی را در یک تقسیم بندی به **دو بخش** تقسیم می کنند: از ۱۳۲ تا ۶۵۶ و از ۶۵۶ تا معاصر (نک. الخالدی ۲۰۱۰: ۴۹ و ۵۷).

- در تاریخ ادبیات عربی از قرن هفتم به بعد به شدت گرایش به سمت کاربرد انواع شعری عامیانه غیر قصیده مانند **الدوبیت و موالیا و زجل** شدت می گیرد (الرافعی، ۲۰۰۱: ۱۲۷).
- نمونه های فراوانی از این گونه اشعار در کتاب هایی مانند **وافی الوفیات** وجود دارد که مؤید این نظر است .

7

انواع شعری عامیانه غیر قصیده

- همچنین کتاب هایی در این دوره به نگارش درآمد که به وفور و گستردگی و با ذکر نمونه های فراوان در مورد ژانرهای ادبی عامیانه مانند موالیا و موشح و زجل و انواع دیگر به تفصیل سخن گفته اند . العاقل الحالی و المرخص الغالی از صفی الدین حلی (۶۷۷-۷۵۰ه.ق) و المستطرف فی کل فن مستطرف در دو جلد، به قلم الأبشیهی (۷۹۰- ۸۵۰ ه.ق) و بلوغ الأمل فی فن الزجل نوشته ابن حجة الحموی (۷۶۷ - ۸۳۷ ه.ق)

• از جمله کتاب هایی هستند که بعد از فروپاشی خلافت عباسی نوشته شده اند و آنها را می توان از منابع اصلی در مورد انواع ادبی عامیانه به واسطه اجرای همراه با موسیقی و جذابیتی که برای مردم مداشت به سرعت بین سرزمین های مختلف اسلامی به گردش در آمد. شعرهای زجل به عنوان نمونه، از اندلس وارد بغداد شد و در آنجا مورد استقبال محافل صوفیه و قلندریه قرار گرفت. نمونه ای از زجل فارسی قرن هفتم نشان می دهد که صوفیان ایرانی بغداد هم در مراسم سماع خود از این ازجال استفاده می کردند (نک. شفيعی کدکني، ۱۳۸۶: ۱۴۲ تا ۱۴۵).

اندلس

● به نظر می‌رسد که گرایش به ادبیات و اشعار عامیانه در این دوره موضوعی عام و فراگیر بوده و محدود به سرزمین‌های عربی نمی‌شده است، در همین زمان ترانه‌های فهلوی هم نزد مردم محبوبیت فراوانی داشت. به گفته شمس قیس رازی مردم عراق از ضیع و شریف و فاضل و عامی به استماع اشعار فهلوی مشتاق‌اند؛ به حدی که اقوال عربی و اغزال دری آن قدر در نظرشان خوشایند نیست که:

• الحن اور امن و بیت پهلوی
زخمه رود و سماع خسروی
(قیس رازی به نقل از دو دیوتا، ۱۳۸۲: ۷۷).

• به طوری کلی می توان گفت دوره ای که در تاریخ ادبیات عربی **دوره انحطاط** نامیده شده است. دوره شکوفایی ادبیات عامیانه می باشد .

دولت مشعشعیان

با بررسی روند رشد ادبیات عامیانه بعد از قرن هفتم، به دوره جدیدی می‌رسیم که با روی کار آمدن دولت شیعی مشعشعیان در خوزستان آغاز می‌شود. در این دوره که از سال ۸۴۵ با قیام سید محمد بن فلاح معروف به مشعشع آغاز می‌شود و تا نیمه دوم قرن سیزدهم ادامه می‌یابد، علاوه بر گسترش شعر فصیح شیعی، شاهد نوآوری‌هایی نیز در عرصه ادبیات و اشعار عامیانه هستیم که تا پیش از آن سابقه نداشته است. پیدایش قالب‌های جدیدی مانند شعر بند که متأثر از بحر طویل فارسی است (شفیعی کدکنی ۱۳۸۶: ۵۰۱)، همچنین پیدایش قالب‌های شعری عتاب و ابوذیه و نیز اوج دگردیسی ساختاری و محتوایی موالیا در این دوره اتفاق می‌افتد (نک. ابن معتوق، ۱۸۸۵: ۲۳۰ و ۲۳۱).

سید محمد بن فلاح معروف به مشعشع

- به کارگیری فراوان بحر هزج در اشعار این دوره، آوردن تخلص به تأثیر از شاعران فارسی، همچنین توجه به اعیاد ملی ایرانیان مانند عید نوروز و طلب صله در این ایام به رسم شاعران ایرانی از دیگر خصوصیات ادبیات این دوره است. به طور کلی این دوره از آن جهت که دولتمردان آن به دو زبان فارسی و عربی مسلط بودند و به لحاظ سیاسی و فرهنگی و ادبی با حکومت مرکزی ایران روابط گسترده ای داشتند، محل امتزاج دوادبیات فارسی و عربی است و ریشه بسیاری از قالب های عامیانه عربی را باید در این دوره، پیگیری و ریشه یابی نمود.

طلب صله

زمینه های تاریخی و جغرافیایی مختلف

- گستردگی و وسعت جغرافیایی کشورهای عربی و آداب و رسوم و فرهنگ و تاریخ متفاوت و تنوع نژادی و فرقه ای، بستر تاریخی ویژه ای ایجاد کرده که موجب پیدایش و تنوع ادبیات شفاهی و لهجه های متفاوت در بین کشورهای عربی شده است. در واقع با این که زبان رسمی تمامی این کشورها، عربی است اما زمینه های مختلف فرامتنی بر متن تأثیر چشم گیری نهاده و ادبیات غیر رسمی پایاپایی در مقابل ادبیات رسمی ایجاد نموده است.

زمینه های مختلف فرامتنی

- به عنوان مثال لهجه لبنانی که زبان ادبیات شفاهی لبنانی است ، علاوه بر این که تحت تأثیر محیط جغرافیایی متعادل مدیترانه ای است، متأثر از زبان فرانسوی نیز می باشد؛ چرا که کشور لبنان مدتی به دنبال جنگ جهانی اول، **تحت قیمومیت فرانسه** بود .علاوه بر این، مسیحیت نیز به عنوان عاملی مذهبی بر فرهنگ عامه لبنانی تأثیر گذار بوده است .همچنین زبان های رایج دیگر در لبنان مانند کردی، آشوری و ارمنی بر لهجه لبنانی تأثیر داشته اند .به طور کلی زبان های پیشین کشورهایی که بعد از اسلام به عربی تغییر زبان دادند، از عوامل تاریخی شکل گیری لهجه های عربی است .

آشنایی با غرب

آشنایی با غرب تاثیرات فراوانی بر کشورهای عربی نهاد، یکی از این تاثیرات توجه به ادبیات شفاهی بود. در واقع آشنایی با غرب موجب شد تا نگرش ادیبان عرب نسبت به ادبیات عامیانه تغییر کند. در این میان تاکید فراوان مارکسیسم بر زمینه اجتماعی ادبیات و هنر و نقشی که فرهنگ محلی و فولکلور در آگاهی بخشی به طبقه کارگر دارد، بسیار مؤثر بود. خود کلمه **فولک** نیز به همین طبقه اشاره دارد. طبقه ای که از روستا به شهر آمد و با حفظ فرهنگ بومی خود فریب زرق و برق فرهنگ صنعتی و تجاری طبقه حاکم را نخورد.

تاکید فراوان مارکسیسم بر زمینه اجتماعی ادبیات و هنر



طه حسين

• این مباحث نظر تحصیل کردگان و روشنفکران عرب را به خود جلب نمود و باعث شد که به ادبیات عامیانه توجه بیشتری نشان دهند. به عنوان مثال طه حسین از جمله کسانی بود که شاگردانی را به مطالعات تخصصی در زمینه فولکلور و ادبیات عامیانه تشویق نمود تا جایی که همان شاگردان پایه های ادبیات عامیانه را در مصر ایجاد کردند. عبدالحمید یونس یکی از این شاگردان دیروز و استادان امروز ادبیات عامیانه عربی و مصری است .

ملی گرایبی

فرهنگ عامیانه و بخش زیبایی شناسی آن یعنی ادبیات عامیانه، گویای روح راستین یک ملت است که در قالب صور خاص از شعر و ادبیات و موسیقی گرفته تا پوشاک و گفتار و آشپزی و طراحی، جلوه گری دارد. گاه این ویژگی ها با ایدئولوژی ملی گرایانه در هم می آمیزد، اتفاقی که در اروپا نخست بار صورت گرفت و به عنوان مثال تصنیف های ملی و ترانه ها و رقص ها و «موسیقی محلی و حفظ و حراست از آن به یکی از مؤلفه های شالوده هویت های ملی اروپایی در سده نوزدهم تبدیل شد» (پین، ۱۳۸۹:۴۳۱).

ایدئولوژی ملی گرایانه

- همین اتفاق در کشورهای عربی نیز تکرار شد؛ ابتدا ملی‌گرایی متأثر از کشورهای غربی در بین مردمان عرب ایجاد شد و سپس ادبیات عامیانه و لهجهٔ محلی به شاخصی از هویت ملی در این کشورها تبدیل شد.^(۴)

- مردمان عرب که از زمان فروپاشی خلافت عباسی توسط مغول، استقلال سیاسی خود را از دست داده بودند، تا سالیانی طولانی تحت حکومت ترکان عثمانی قرار داشتند ولی همیشه آرمان بازگشت به دوران سیادت را البته در سر می پروراندند. در قرن نوزدهم بود که در پی آشنایی با مفهوم ناسیونالیسم غربی، تلاش های ملی گرایانه آنان آغاز گردید .



جمال عبدالناصر

• آرمان ملی گرایی ایشان به دو صورت ترسیم شده بود : تشکیل امت عربی با حضور تمام قومیت های عرب؛ این آرمان چندی توسط جمال عبدالناصر به صورت اتحاد مصر و سوریه تحت عنوان جمهوری متحده عربی شکل گرفت که با کودتای نظامی در سوریه از بین رفت ولی بعد در قالب تشکیل اتحادیه عرب ادامه یافت. دیگری استقلال هر یک از قومیت های عرب در قالب کشوری مشخص. این هدف بعد از فروپاشی دولت عثمانی محقق شد (عنایت ۱۳۸۹:۵)؛

●؛ اما در پایان قرن بیستم ملی‌گرایی عربی به شکل قوم‌گرایی در بین خود کشورهای عربی دنبال شد. شاخص ملیت عربی تا این زمان زبان عربی بود که در سایه آن تمام ملت عرب به دنبال اتحاد و آرمان وحدت عربی بودند؛ اما از این زمان به بعد شاخص ملی‌گرایی تغییر یافت؛ هر یک از کشورهای عربی خواهان آن بود که هویتی مستقل و قابل تمایز با دیگر کشورهای عرب داشته باشد؛ از این رو زبان محلی عربی به عنوان شاخصی که قدرت تمایز بخشی و تشخیص‌آفرینی داشت، مورد توجه قرار گرفت .

• توجه به زبان محلی تفاوت های اقلیمی و نژادی، فرهنگ توده و به طور خاص ادبیات محلی و بومی را برجسته و درخشان جلوه می دهد. این فرایند منجر به آن شد که بعضی لهجه های عربی به زبان رسمی تبدیل شود. به عنوان نمونه لهجه مصری امروزه تبدیل به یک زبان مستقل شده است که از قالب های ادبیات شفاهی و محلی مصری مانند موآل مصری، برای استوارسازی و تثبیت پایه های خود بهره می برد. از این رو توجه به ادبیات شفاهی و عامیانه به عنوان عاملی برای تمایز از سایر کشورهای عربی و نقطه ای مشترک و نماد همبستگی ملی، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت.

نقطه ای مشترک و نماد همبستگی ملی

مذهب و ایدئولوژی

- ادبیات عامیانه به جهت پیوندی که با تجربیات مذهبی مردمی دارد، در جهت تثبیت و تقویت باورهای مذهبی نقش مهمی عهده دار است. از این رو بعضی ژانرهای این ادبیات، کارکرد ایدئولوژیک پیدا می‌کند و در جهت تثبیت یک باور و اعتقاد مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این صورت رابطه‌ای دو طرفه با مذهب ایجاد می‌کند؛ به این معنی که هم باعث تقویت آن می‌شود و هم خود به عنوان ژانر سخنگو مورد توجه و اهمیت و تقویت قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال بخشی از ادبیات رسمی و عامیانه سودانی تحت تأثیر قیام مهدی سودانی (۵) است.

• خود او به شعر عامیانه بیش از شعر فصیح تمایل داشت: «إن المهدي أسبغ على الشعر الشعبي رعايته، وكان ميله إليه أوضح من ميله إلى الشعر الفصيح» (بدوی، ۱۹۸۱: ۸۳). بخشی از شعر عامیانه سودانی در خدمت قیام او بود. قیامی که متأثر از تفکر شیعی در باب مهدی موعود و سرشار از مفاهیمی ایدئولوژیک در باب مهدویت بود. مفاهیمی مانند: دعوت، داعی، عهد، تأویل، وصی و وجود امام در هر عصری چه ظاهر و چه غایب و لزوم معرفت به امام به عنوان علت وجودی عالم (همان ۴۷-۴۸).

دعوت، داعی، عهد، تأویل، وصی و وجود امام

موسیقی و آواز

• ادبیات عامیانه با موسیقی و آواز آمیخته است و یکی از علت های پیدایش و گسترش این ادبیات عامل موسیقی و اجرای آن به صورت آواز می باشد؛ به عنوان مثال « تردیدی نیست که نیازهای موسیقی، عامل مهمی در ایجاد موشح بوده است. در اندلس موسیقی یکی از تفریحات امرا و مونس اوقات لهو و شب زنده داری های آنها بود». (الفاخوری، ۱۳۸۸: ۵۸۴). در مجالس صوفیه سودان، شعرهای عامیانه از آنجا که جنبه موسیقایی برجسته ای دارد، مناسب سماع صوفیانه است. دوبیتی عامیانه زیر از شیخ موسی یعقوب، صوفی مشهور به ابی قصه یکی از این نمونه هاست :

وانم نمیما فی می می

و أخفی السر لشیئان

(بدوی، ۱۹۸۱: ۸۱)

أأس آسیسا فی سی سی

و أوک أکیکا فی کی کی

•

• این شعر و دیگر نمونه های آن که لغات و لهجه آفریقایی در آن وجود دارد، مورد توجه شعرای صوفی فصیح سرای سودانی نیز واقع شد و منجر به آن شد که شعر آنان تحت تأثیر جنبه وزن و موسیقی و لغات این گونه اشعار قرار گیرد، به این ترتیب زمینه گسترش ادبیات عامیانه و ورود و تأثیر در ادبیات رسمی فراهم شود (همان).

لغات و لهجه آفریقایی

- امروزه موسیقی و آواز عربی در سطح بین المللی شناخته شده است و بسیاری از خوانندگان عربی که از کشورهای مصر و لبنان و سوریه و عراق و... هستند، در اشعار خود از شعرهای ادبیات محلی استفاده می کنند. این مطلب باعث شده ادبیات بومی آنان و زبان محلی این اشعار، عام و فراگیر شود. به عنوان مثال کاظم الساهر خواننده عراقی در بسیاری از آوازه‌هایش از شعر ابوذیه استفاده کرده و یا یکی از علت های فراگیر شدن لهجه مصری ، خواندن اشعار عامیانه مصری توسط خوانندگانی چون ام کلثوم و عبدالحلیم حافظ است. به همین ترتیب آوازخوانان لبنانی نیز، از زجله‌های لبنانی به عنوان نمونه ای از ادبیات بومی خود بهره می برند

کتاب و نشریات مؤسسات فرهنگی و نیروی انسانی



- در مجموع تمامی این عوامل در کنار هم باعث رشد ادبیات عامیانه عربی شده است. موسسه فرهنگی «**مکتبه الدراسات الشعبیه**» در مصر، با تشکیل گروهی از پژوهشگران و متخصصان ادبیات شفاهی و فولکلور، از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ به تنهایی ۵۱ اثر در این زمینه تألیف و ترجمه کرده است.

● بعضی از این عناوین از این قرار است: فلسفه المثل الشعبي از محمد ابراهیم أبوسنه، بین التاريخ و الفولکلور از دکتر قاسم عبده قاسم، الحکایة الشعبية از دکتر عبدالحمید یونس، النيل فی الأدب الشعبي از دکتر نعمات احمد فؤاد، الرقص الشعبي فی مصر از مسعد الخادم، الفولکلور فی العهد القديم در سه جلد از جیمس فریزر ترجمه دکتر نبیله ابراهیم المأثورات الشفاهیه از یان فانسینا ترجمه دکتر احمد مرسی، الطفل فی التراث الشعبي از دکتر لطفی حسین سلیم. مجلات متعددی نیز در کشورهای عربی از جمله اردن، کویت، لبنان و دیگر کشورهای عربی با عنوان های فولکلور و الأدب الشعبي والتراث الشعبي وجود دارد که در هیئتی آراسته و کیفیتی بالا انتشار می یابد که در تثبیت و رشد ادبیات عامیانه بسیار مؤثر واقع شده است.

ژانرهای ادبیات شفاهی

- در زبان عربی تقسیم بندی انواع و ژانرهای ادبی شفاهی، به صورت های مختلف و بر اساس شاخص های متفاوت صورت پذیرفته است. به عنوان نمونه الجبوری، تمام قالب های شعری عامیانه را ذیل «اوزان الشعر الشعبي» آورده و اهمیت را به وزن داده است، حال آنکه الذهبی همان قالب ها را ذیل «ألوان من الغناء الشعبي» آورده است و موسیقی و آواز را شاخص تقسیم بندی خود قرار داده است.



نازک الملائکه

• از جمله اشکالاتی که در این تقسیم بندی ها وجود دارد این است که به قالب ادبی و ساختار شعر توجه نشده و دیگر اینکه تقدم و تأخر تاریخی مد نظر قرار نگرفته است. در مواردی هم اشکالات عمده وجود دارد مثلاً شعر «بند» در کتاب الجبوری به عنوان یک نثر مسجع معرفی شده و در قسمت نثر آورده شده است. حال آن که این نوع شعر از ابتکارات شاعران خوزستانی در قرن یازدهم است و از نخستین تجربه هایی است که شعر عربی در جهت کوتاه و بلند کردن مصراع ها انجام داده که مورد توجه نازک الملائکه نیز قرار گرفته است.

• در نوشته حاضر تلاش شده با توجه به شاخص ترین ویژگی هر گروه از این انواع، تقسیم بندی جدیدی ارائه شود. از این رو ابتدا ادبیات شفاهی را به دو گروه بزرگ نثر و نظم تقسیم کرده ایم. ادبیات منظوم را بر دو اساس یکی قالب ادبی و دیگری وزن و غناء دسته بندی نموده ایم. قالب های ادبی بر اساس تقدم و تأخر زمانی به دو دسته قالب های کلاسیک و نو تقسیم شده است. قالب های کلاسیک از زمان عباسیان آغاز می شود و اولین نمونه های شعر عامیانه عربی است.

قالب های کلاسیک از زمان
عباسیان آغاز می شود

نثر

- ویژگی مشترک این گروه روایی بودن آنهاست. آثار منثور در ادبیات شفاهی عربی به چند دسته تقسیم می شود؛ یک دسته شامل حکایت هایی است که به زبان محلی و در بین مردم وجود دارد و به آن «سوالف» یا «سالوفه» گفته می شود. این حکایت ها به صورت شفاهی خصوصاً از زبان بزرگ ترها نقل می شود، مؤلف آن ناشناخته است و عمدتاً جنبه تمثیلی یا سرگرمی دارند مانند «ام زرزور» و یا «سالوفه للاطفال» (الجبوری، ۲۰۰۹: ۱۴). گاهی این داستان ها ترسناک اند و در واقع مربوط به داستان های ارواح میشود مثل داستان «طنطل».

روایی بودن

- بعضی دیگر از این حکایت ها با نمونه های شفاهی فارسی یکسان است و مشخص نیست که کدامیک تقدم زمانی دارد؛ مانند داستان « مردی که در جستجوی بخت خود بود.» تعداد دیگری از این روایت ها، اسطوره ای هستند. اسطوره در معنای عامیانه خود شامل حکایت هایی می شود که جهانبینی و دیدگاه مردم نسبت به مسائل مختلف زندگی را نشان می دهد و معمولاً داستان های حیوانات را نیز شامل می شود

نمونه های شفاهی فارسی



عبدالحمید یونس

• در این زمینه عبدالحمید یونس در کتاب الأسطوره و الفن الشعبی به تفصیل اسطوره های عامیانه را بررسی کرده است. «مسرحیه» یا «الدراما الشعبیه» به عنوان بخش دیگری از آثار منشور ادبیات شفاهی، نمایشنامه هایی به زبان محلی اند که برای اجرا نوشته می شود و معمولاً به علت جنبه فکاهی مخاطبان زیادی دارد.

• ضرب المثل های محلی بخشی دیگر از ادبیات منثور هستند این مثل ها اغلب به صورت نثر مسجع و در موضوعات گوناگون گفته شده اند و حاوی تجربیات قومی مشترک و بازتاب دهنده روحیات و طرز تلقی گویندگان آن از مسائل مختلف است .امروزه با توجه به تعدد لهجه های کشورهای عربی، ضرب المثل ها به همان نام کشور نام گذاری می شود، مانند مثل های لبنانی، مصری، فلسطینی؛ و گاه در خود یک کشور هم با توجه به قومیت و محیط جغرافیایی متفاوت است مانند مثل های موصلی، بغدادی، فراتی و بصرای که همه مربوط به کشور عراق است .

تعدد لهجه های کشورهای عربی

- بسیاری از این مثل ها معادل فارسی دارد و قابل مقایسه با ضرب المثل های فارسی هستند؛ مانند این ضرب المثل بغدادی؛ «الیبوگ بیضه یبوگ جمل» (الجبوری، ۲۰۰۹: ۱۲۳)، که ضرب المثل خوزستانی هم هست؛ **تخم مرغ دزد شتر دزد می شود .**

نظم

- بخش دیگری از ادبیات شفاهی را آثار منظوم تشکیل می دهد. سلطه قصیده و کم توجهی به نگارش شعر غیر فصیح باعث شد تا از ادبیات عامیانه، نمونه های اولیه اندکی در دست باشد. بررسی این تعداد اندک نشان می دهد که لغات فارسی، حضور قابل تأملی در اینگونه اشعار دارند. این مسئله با توجه به حضور عثمانیها و تعدد ایرانیانی که بعد از اسلام در عراق، خصوصاً در شهرهای بصره و کوفه حضور داشتند، حاکی از تأثیر شعر عامیانه فارسی بر شعر عامیانه عربی است. سروده زیر که از یکی از شاعران قرن اول هجری با نام اسود ابن کریمه است، این تأثیر گذاری را به خوبی در سطح واژگانی نشان می دهد:

اسود ابن کریمه

- لزم الغرام ثوبى بكرة فى يوم سبت
 - فتمايلت عليهم ميل زنى بمستی
 - قد حسا الداذى صرفا أو عُقارا بایحست
- بر اساس قالب های ادبی قالبهای کلاسیک

(نصار، ۱۹۸۲، ج ۳: ۱۵۳)

بر اساس قالب های ادبی

• قالب های کلاسیک

شعر عامیانه از زمان عباسیان به بعد به طور جدی دارای قالب ادبی می شود و از قالب های شعر فصیح تمایز می یابد. دوبیتی زیر قالب های ادبی را بر شمرده است (الذهبی، ۲۰۰۴: ۳۱):

• إن كنت تسأل ما الفنون فأنها سبع كما جاءت بها الأقوال
شعر و توشیح و دوبیت کذا زجل و قوما کان و الموآل

شیخ الغباری (۶۵۶ ه.ق) این هفت قالب را در این زجل زیبا گرد آورده است (همان):

- لك عوارض فی الخد مرموقه لیس لها من مثال
و جفاک سارا حماق و باب وصلک کان و کان غزال
- وانت دوبیت موشح القامه یا عزیز الدلال
- ولک الفاظ صارت موالیا بالزجل والنشید
وشعر متوج القاما و انت بیت القصید

• از این هفت ژانر کلاسیک، شعر قریض، الموشح و الدوبیت، با تسامح جزو اشعار فصیح به حساب می آیند که با قواعد نحوی و سنت های عربی هم خوانی دارد؛ اما سه ژانر زجل، و الکان و کان و قوما اشعار عامیانه به شمار می آیند. ملحون بودن ، داشتن واژگان غیر عربی، ورود اصطلاحات عامیانه در آنها و اشکالات نحوی از ویژگی های مشترک آنهاست .

زجل، و الکان و کان و قوما

• از این رو **صفی الدین حلی** در کتاب العاقل الحالی و المرخص الغالی این گونه به توصیف آنها می پردازد: « فہی الفنون التی إعرابہا لحن، وفصاحتہا لکن؛ و قوۃ لفظہا وھن، حلال إعراب بہا حرام، و صحۃ اللفظ بہا سقام، یتجدد حسنہا إذا زادت خلاعة، و تضعف صنعتهما إذا أودعت من النحو صناعة» (به نقل از نصاری ، ۱۹۸۲: ۱۵۹)؛ اما شعر المواليا بین این دو قرار دارد؛ گاهی اعراب پذیر است و فصیح به شمار می آید و گاه شعری است ملحون با لغاتی غیر فصیح، که در ذیل شعرهای عامیانه قرار می گیرد در ادامه به معرفی این انواع می پردازیم .

• **زَجَل**؛ در لغت بمعنی تصویت و صدا در آوردن است؛ زیرا این شعر را به آواز می خواندند و به صدا در می آوردند. زجل شکل عامیانه موشحات فصیح اندلسی است که از این سرزمین به مصر رفت و از شام به واسطه تجار و آواز خوانان، به عراق وارد شد. در آنجا به حجازی معروف گشت (نصار، ۱۹۸۲: ۱۶۰). در سرودن زجل از وزن های جدید و متعدد استفاده می شود. قافیه در آن بر خلاف شعر فصیح یکسان نیست زجل با اسم این قزمان (۵۵۵ ه.ق) وزیر آمیخته است و به او امام الزجالین می گویند؛ چرا که این نوع ادبی به دست او گسترش یافت و بهترین نمونه ها را همو سرود. زجل مانند موشح از مطلع و اغصان و افعال و خرجه تشکیل می شود. نمونه زیر از زجل ابن قزمان است در مدح ابن هانی (الخالدی، ۲۰۱۰: ۲۷۹):

زجل شکل عامیانه موشحات فصیح اندلسی است

- نظره من محاسنه تكفانى و الهوى فتن
- والذى قتلنى و أبلانى منظرأ حسن
- يا صديقى أصغ لمن ينصح واعص كل أحد
- إن مدحت إدر لمن تمدح واثن واجتهد
- لا تزل من اهنا و لا تبرح جيد هو هذا البلد
- إبق فى مكارم ابن هانى و ابق فى أمن
ربما يُقال أيما ابن هانى قل أبو الحسن

• **موالیا**؛ به عقیده برخی پژوهشگران در زمان عباسیان و در شهر واسط به وجود آمد. سابقه و قدمت آن به قولی به دوره هارون الرشید باز می‌گردد. هنگامی که او برامکه را برانداخت و «کسی را یارای آن نبود که در مرثی آنها سخن گوید؛ یکی از کنیزان جعفر بن یحیی، اشعاری عامیانه در سوگ آنها سرود که بعد از هر قطعه می‌گفت موالیا (ای سروران من)» (فاخوری، ۱۳۸۸: ۵۸۱)؛ و این شعر از این رو به موالیا معروف گشت:

- یا دار این ملوک الأرض این الفرس
- قالت نراهم رمم تحت الأراضی الدرس
- این الذین حموما بالقنا و الترس
- سکوت بعد الفصاحه ألسنتهم خرس!

• از قرن هفتم به بعد شاعران به طور گسترده به سرودن موالیا روی آوردند که نمونه های آن در کتاب های این دوره به وفور دیده می شود در این سروده ها موالیا با قافیه متجانس بیشتر مورد پسند بود:

والمخصب الربع و الأمواه قد غارت^۲

والشهب من شاهدت أضواک قد غارت^۴

(الجبوری، ۲۰۰۹: ۴۴۰).

یا طاعن الخیل و الأبطال قد غارت^۱

• هواطل السحب من کفیک قد غارت^۳

- موالیا در وزن بسیط سروده می شود و در ابتدا از دو بیت تشکیل می شد اما در طول تاریخ، دگردیسی های فراوانی یافت و از لحاظ ساختار و مضمون انواع گوناگونی پیدا کرد، به گونه ای که در قرن یازدهم شاهد نمونه هایی هستیم که از هفت مصراع تشکیل شده است. امروزه موالیا به زبان عامیانه سروده می شود و به موال شهرت دارد. در خوزستان عراق و مصر بیشتر از جاهای دیگر دیده می شود .

امروزه موالیا به زبان عامیانه سروده می شود و
به موال شهرت دارد

• **الکان و کان؛** یکی دیگر از سرودهای عامیانه اهل عراق است که از **قرن پنجم** شیوع یافت. ژانر مورد علاقه واعظان و خطیبان بود و از آن رو که ابتدای این گونه اشعار می گفتند الکان و کان؛ به معنی یکی بود یکی نبود، به این نام معروف گشت. پند و موعظه، قصص انبیا و اولیا و اخبار گذشتگان درونمایه های رایج این نوع شعر می باشد (نصار، ۱۹۸۲: ۱۶۹). ابو منصور ابن نقطه (۵۹۷ ه. ق) در نظم این نوع استاد بود و این شعر را بین مردم گسترش داد. او مفردات اشعارش را با کلمات عامیانه تغییر می داد (الذهبی، ۲۰۰۴: ۳۳). در زیر نمونه ای از شعر او آورده شده است (به نقل از الجبوری، ۲۰۰۹: ۵۰۷):

الكان و كان يقول الشاعر :

يا قاسى القلب مالک تسمع و ما عندک خبر
ومن حرارهً وعظى قد لانت الاحجار
أفنىت مالک و حالک فى کل ما لا ینفعلک
لینک على هذه الحاله تقلع عن الاسرار
تحضر ولكن قلبک غایب و ذهنک مشغل
فکیف یا متخلف تُحسب من الحضار
ویحک تنبه یا فتى وافهم مقالى واستمع
ففى المجالس محاسن تحجب عن الابصار
یحصى دقائق فعلک وغمز لحظک یعلمه
و کیف تغرب عنه غوامض الاسرار
تلوث قولی و نصحی لمن تدبر و استمع
ما فى النصیحه فصحیة کنا ولا انکار

• **القوما؛** از دیگر اشعار عامیانه ای است که به آواز خوانده می شود در قرن پنجم در بغداد شکل گرفت و در قرن ششم شیوع یافت. قوما در ماه رمضان و در وقت سحر به منظور بیدار کردن مردم، به آواز خوانده می شد. قوماً سرایان در پایان شعر خود می گفتند «اقوما للسحور قوما»؛ برای سحری برخیزید، از این رو به شعر قوما شهرت یافت.

- در سرزمین های دیگر، خصوصاً مصر و مغرب «**حماق**» نام گرفت .صفی الدین حلی می گوید که این نقطه در این فن استاد بود و به واسطه قوم‌هایی که در رمضان می سرود انعام فراوانی از خلیفه دریافت می کرد .هنگامی که وفات یافت، پسر کوچکی داشت که در نظم آوازهای قوما و زجل ماهر بود .پسر برای خبر دادن فوت پدرش، به همراه اتباع پدر که آوازخوانان و مسحرین بودند نزد خلیفه حاضر شد و با آواز این شعر قوما را خواند:

- یا سید السادات لک باکرم عادات
انا ابونقطه وأبی - تعیش انت- مات
- خلیفه این اختصار را به دیده تعجب و تحسین نگریست و آنچه هر ساله به پدر می داد افزون به
پسر داد (۱۹۵۵:۱۷۱).

• حلی همچنین عنوان می دارد که قوما از دو وزن تشکیل شده: اولی مرکب از چهار مصرع است که در وزن و قافیه یکسانند ولی مصرع سرم وزن و قافیه ای متفاوت دارد؛ مانند این قومای الالبشهی در مدح یکی از خلفا:

دایم وجدک سعید

لازال سعدک جدید

بکل صوم وعید

ولا برحت مهناً

فی الدهر انت الفرید
فالخلق شعر منقح

و فی صفاتک وحید
و انت بیت القصید

یا من جنانو شدید
و من یلاقی الشداید

و لطف رایو شدید
بقلب مثل الحدید...

... لازل ظللک مدید
ولا عدمننا سحورک

دایم و باسک شدید
فی صوم و فطر و عید
(نزار، ۱۹۸۲: ۱۷۶-۱۷۸).

• وزن دومی که قوما در آن سروده می شود از سه مصرع تشکیل شده که قافیه ای یکسان دارند اما در وزن متفاوتند و مصرع اول کوتاه تر از دومی و او نیز کوتاه تر از سومی است (الجبوری، ۲۰۰۹: ۵۰۲).

أی قلبی دعهم

• اش تری أوقعک معهم
الكف عنهم قبل ما تظهر بدعهم

از سه مصرع تشکیل شده که
قافیه ای یکسان دارند

• قالب های نو

بعد از فروپاشی خلافت عباسی و در عهد مغول، ملوک و سلاطین، غیر عرب بودند و از شاعر نوازی های دوره عباسی خبری نبود «شاعران مجبور بودند زندگی را از راه صنعتگری و پیشه وری چون قصابی، روغن فروشی و کحالی و امثال آن بگذرانند» (الفاخوری، ۱۳۸۸: ۶۲۱).

• این مسئله که نظیرش در ادبیات فارسی نیز اتفاق افتاده، باعث شد که در درجه اول اصطلاحات جدیدی از زندگی روزمره مردم، وارد شعر شود و ثانیاً ادبیات که پایگاهی درباری داشت، موقعیتی مردمی بیاید. همچنین شعرهای عامیانه که دو شاخه عراقی و اندلسی داشت، عمدتاً توسط کاروان های تجاری و مغنیان و آوازخوانان در اقطار کشورهای اسلامی و عربی منتشر شد و قالب های جدیدی به وجود آمد.

عراقی و اندلسی

• « از شاخه رباعی عراقی می توان به عتاب ابوذیه و مربع اشاره کرد و از دسته اندلسی ملون می توان از زجل هایی که اکنون در لبنان و مصر و مغرب است نام برد. «^۱ این قالب ها را تحت عنوان قالب های نو می توان بررسی کرد؛ که شامل اشعار بلند و کوتاه است که از حدود چهارصد سال گذشته تا اکنون به طور مرتب به تعداد آنها افزوده می شود. آغاز این دوره جدید را باید از قرن نهم به بعد و در دوره مشعشعیان خوزستان به بعد و در جستجو کرد؛ دوره ای که ادبیات عامیانه، درباره رشد و نوسازی خود را از سر می گیرد و ژانرهایی شکل می گیرد که تا پیش از آن در ادبیات عربی سابقه نداشت .

اشعار بلند

- شامل قصائدی اند که به زبان محلی و در ساختارها و انواع وزن ها سروده می شود .مهم ترین این قالب ها عبارتند از :مربع، موشح اندلسی عمودی، رجدی و شعر نو .
- **مربع؛** همانطور که مصطفی الشیبی نیز اشاره کرده است متأثر از رباعی هایی است که در بغداد وجود داشت و بر همان ساختار ساخته شده. مربع که می توان به آن قالب «قصیده رباعی» گفت ، قصیده ای است که به شکل رباعی و در واحدهای دوبیتی ساخته می شود .قافیه مصراع چهارم حلقه اتصال کل قصیده به حساب می آید .در تمامی این قصاید مطلع به صورت شعری تک بیت با قافیه ای یکسان آغاز می شود .نمونه زیر قسمتی از قصیده مربع ملافاضل سکرانی است با عنوان « یصعب اعلی الناس» (۱۳۷۷:۶۲):

يصعب اعلى الناس يصعب موت كل شاعر لبيب
وصعب من الصعب موت العبقرى الواعى الأديب

يصعب اعلى الناس فكذ الشعر والينظم اشعار
الشعر يرفع راس باس الشرف و يزيد الفخار
الشعر چالنبراس يضوى الشعر نور الشعر نار
الشعر سيفك من تسله و رمحك ابيوم العصيب

- الشعر غارات العوادي اعلى الأعدى ابيوم ضيغ
- الشعر شعر السل هنادى الشعر لشعور الصديق
- الشعر سلوه مشى ابوادي الشعراهواه اهواه الرفيغ
- لو مشيت ابدر ب و حدك اهو اهلك أحسن صحيب
- .

• **موشح اندلسی**؛ این قالب عامیانه از آن رو که بر طریق موشحات سروده شده به این نام خواند می شود. طریق نظم آن به این شکل است که مطلع قصیده از دو بیت تشکیل شده که قافیه در مصرع های اول و دوم باهم متفاوت اند

- بعد از آن شعر معمولاً در چهار بیت ادامه می یابد طوری که سه بیت اول مصرع های نخست، یک قافیه و مصرع های دوم قافیه ای دیگر دارند، اما قافیه بیت چهارم مشابه بیت مطلع باید باشد:

مغرم بالهوه خله

عالبی مبتلی، کله

خلی المبتلی الولهان

گله ایعینک الرحمان

واللی لام ماله ادراک

نار الجمرته محشاک

ما ینلام چی ینلام

هذا غرام بیه اغرام

•

هذى اجفان تضرب دان

**

بکصی الجبد و تخله

عشقی مو عشق للغید

واطوی ساعدی اعله الجلید

لا تخدید لا تنهید

أظل نشوان اظل

ولا للغید للغید گلبی هام

ذاک الجید جید اریام

بی تمهید فن غرام

فرحان طول العمر واتسله...

- **عمودی:** در وزن های مختلف عامیانه سروده می شود قافیه در این قالب به مانند قصاید فصیح است و در مصراع زوج تکرار می شود .

•

ولو لحظ لک رُمی فوادی	أحبک یا ظبی الوادی
الصابن گلبی الصّادی	• أود اسهام نظراتک
و چلمتی و گهوتی وزادی	• آیا شربی الحلا بکاسی
البیک اتحقّق امرادی	• چنت سر منوتی و شوگی
و کل وکتک علی بادی	• او جنت الما یشح وصلک
بعید اشبعک غادی؟...	• یغادی الأصبحت عنی

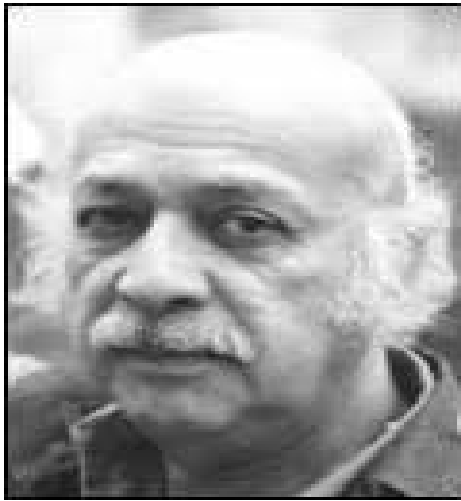
(سکرانی، ۱۳۹۰:۲۶).

• **الرجدی؛** مانند عمودی است با این تفاوت که ابیات مصرع های نخست نیز، قافیه ای جداگانه دارند که باید در سرودن لحاظ شوند :

عکب شخصک یا ترف علی السهر
صدک الکاین فلا ینفع حذر
• جنت اخاف علیک من أکرب سفر اشلون بیه والسفر اصبح بعید
والبیابی ما بطل صبهها یزید
هالمثل بین یمحبوبی اکید

یوم یکفه ابنوح وابهم او کدر
ارد اعاب حضرتک یحله البشر
وانته متونس یبعید أهلی و سعید
الجن اویاک العتب ما ظن یفید ...

(الجبوری، ۲۰۰۹:۲۵۴).



مظفر نواب

• قالب قصاید محلی محدود به این چند نوع نیست و از قالب های دیگری مانند گلاید الشعر و یا عماری، استفاده می شود. (نک. کنعانی زاده، ۱۳۹۱: ۶۶). تجربه هایی نیز در زمینه سرودن اشعار نو عامیانه وجود دارد که به ابتکار و تلاش «مظفر نواب» شاعر معاصر عراقی به دست آمده است. او که در بادی امر مورد حملات و انتقادات تندی قرار گرفت، با جدیتی که در سرودن این نوع محلی از خود نشان داد، توانست این طریقه از سرودن شعر را نیز در ادبیات عامیانه باب کند و قسمتی از دیوان وی مشتمل بر قصاید عامیانه که "لرلیل و حمد" یکی از مشهورترین آنهاست

• و اکنون بسیاری از شاعران شعر عامیانه به این طریق شعر می سرایند .شعر زیر نمونه ای از اشعار اوست:

• زلمنه تخوض من تشرین ...

حدر البردی ...

تتنطر ..

زلمنه اتحز ظلام الیل ...

الخنجر .. تشتل ذبحته العلم

زلمنه الما تهاب الذبح ...

تضحك ...
ساعه المنحر ..
يساكي الشمس
من عينك...
أبعز الشمس ...
حب أخضر...
لَوْن حلت نسمة الليل ..
شعرک
تنشگ العنبر ...

(الخالدي، ١٠٠٢٠:٧٦).

اشعار کوتاه

• اشعار کوتاه شاخه دوم شعرهای نو را تشکیل می دهد. این گونه اشعار بیشتر دو بیتی هستند و از این لحاظ که قافیه در آنها متجانس باشد یا نامتجانس، می توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد؛ اول اشعاری که قافیه ای متجانس دارند، مانند: ابوذیه، میمر، هات و عناب؛ و دیگر اشعاری که قافیه ای نامتجانس دارند، مانند: نایل، دارمی، هوسه و چوبیه. زبان این گونه اشعار همگی عامیانه است و هر یک وزن خاص خود را دارد. قافیه در مصراع چهارم تمامی آنها متفاوت است ؛ سنتی که از دیر باز ویژگی این گونه اشعار است (۶).

دو بیتی

بر اساس غناء و آواز

• اصل در شعر عربی بر انشاد شعر است و خواندن آن به دکلمه، اما «در ایران شعر سرودن مفهوم داشته نه شعر گفتن و همواره شعر با موسیقی بوده است و همراه آن سروده می شده» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۸۴). در ادبیات عامیانه عربی نیز از دیرباز به اشعاری برمی خوریم که از همان ابتدا براساس آواز و غناء بنا نهاده شده است. «**رکبانیه**» و «**حدا**» از این جمله اشعارند. ویژگی مشترک این دسته علاوه بر آواز بنیادی، وزن مخصوص به خود و نداشتن قالبی ثابت و مشخص است. این آوازه‌ها بسیار به شعر جاهلی نزدیک است؛ چرا که در همان حال و هوا و فضای دشت و صحرا سروده و به آواز خوانده می شود.

این آوازه‌ها بسیار به شعر جاهلی نزدیک است



• **رکبانی؛** یکی از انواع آوازهای معروف عامیانه است که بازمانده از اشعار عرب جاهلی است. منسوب به رکبان یعنی سوارکاران است. بر وزن گامهای اسب سروده می شود (مستفعلن فاعلن مستفعلن فاعلن)، لذا یرسرت و پر جنب و جوش و حماسی است. در قالب رجدی سروده می شود اما در قالب عمودی و مربع هم رکبانیه هایی وجود دارد) نک. الجبوری، ۲۰۹:۳۷۱).

بر وزن گامهای اسب

• ركبانيه زير از ملافاضل سكرانى است كه به مناسبت وفات شيخ حنش اليابر سرود :

يا طارشى بمسراك عجل يسيار وبظهرمهر ك لِح گبل ان تعنه

الزم يمىن بدرها وصيح يا بدرالقمار يالمنه قط ما خاب ظن التعنه

گله اعله جار افلان طاغى البلد جار بس يسمع بن الحيد يطرگ نزلته...

(سكرانى، ۱۳۷۷: ۷۶).

• **حدااء؛** سرودهایی است که بسیار با تانی و آهستگی و بر وزن گامهای شتر سروده شده است . مخصوص صحرا و سفرهای طولانی است . زبان در ركبانيه و حدااء متأثر از لهجه بدوی است . زیرا این اشعار را قبایل بدوی در هنگام کوچ، به آواز می خوانند . کسی که اشعار حدااء را می خواند شتربان یا حادی نام دارد . در کاروان های قدیمی به طور معمول حادیانی وجود داشته که در مسیر سفر، به حدااء خوانی می پرداخته اند . به عنوان نمونه « **الطرماع بن عدی** » از حادیانی بوده که در کاروان امام حسین(ع) در راه مکه به عراق این حدااء را خوانده است :

لهجه بدوی

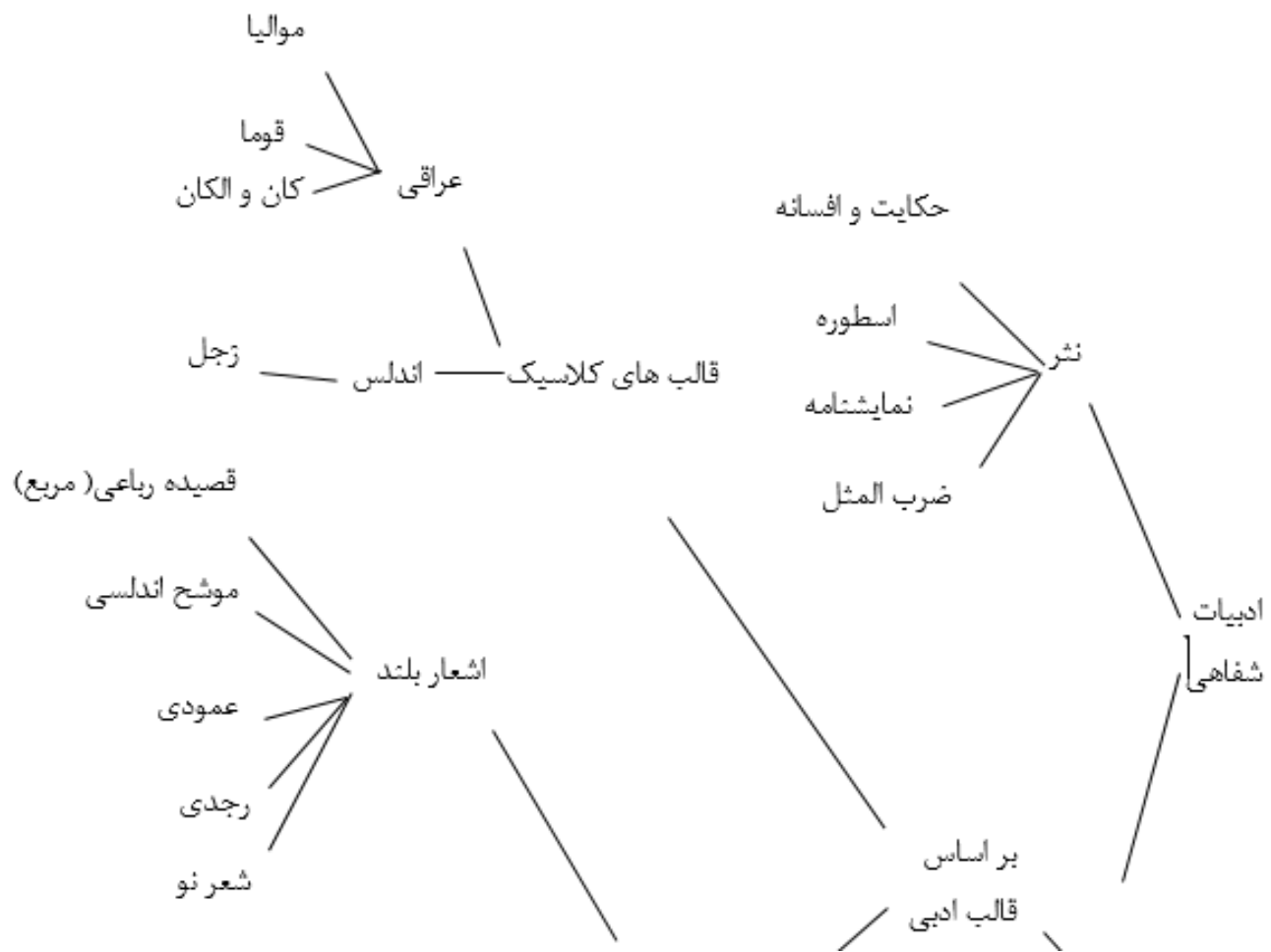
- يا ناقتى لا تجزعى من زجرى
بخير ركبان و خير سفر
الماجد الحر رحيب الصدر
- ابن امير المومنين الطهر
- يا مالك النفع معاً و الضر
- على اللعينين سليلى صخر
-

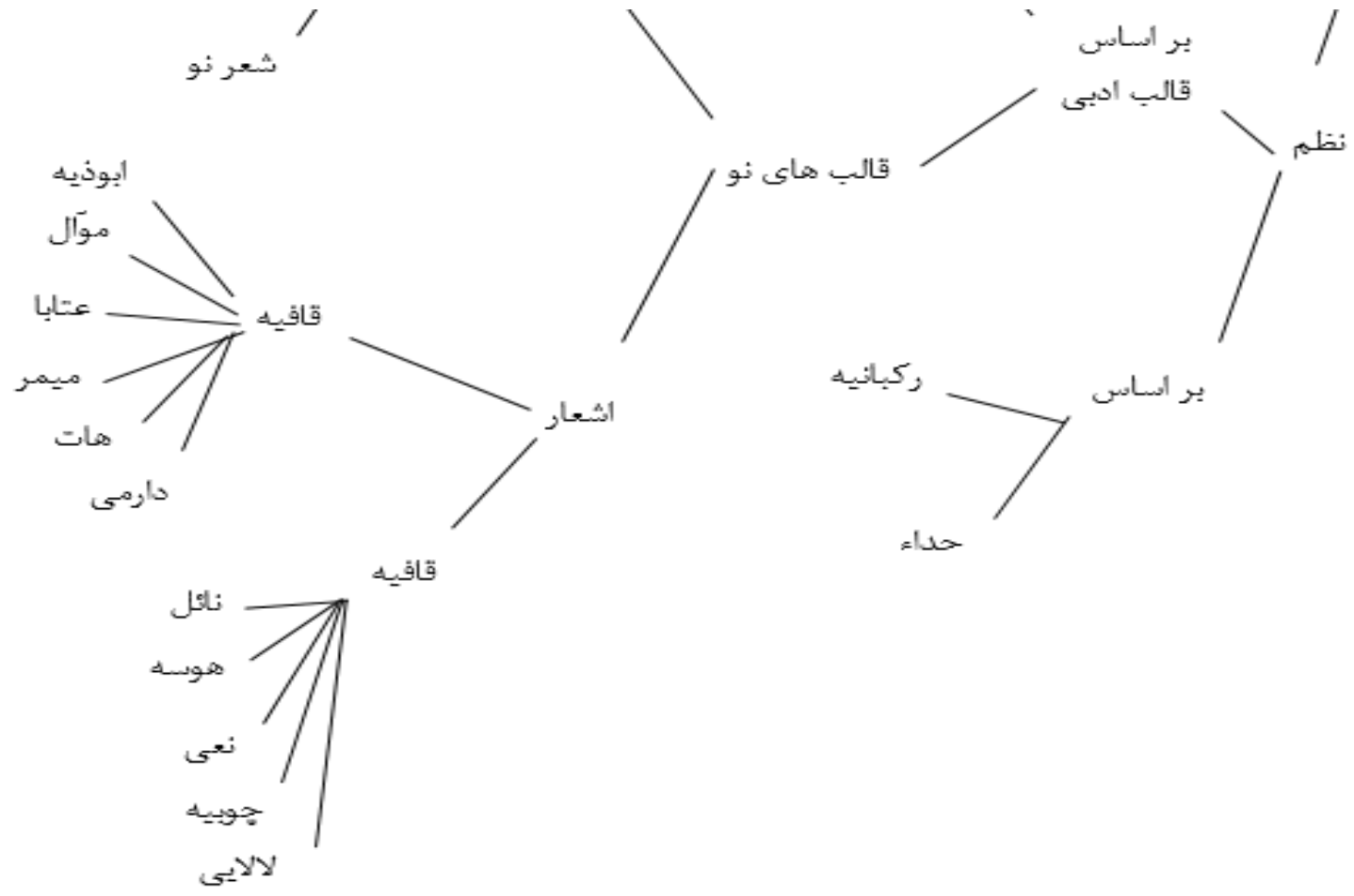
و شمري قبل طلوع الفجر
حتى تحلى بكثير الفجر
أثابه الله بخير أجر

و ابن الشفيع من عذاب الحشر
ايد حسيناً سيدى بالنصر
وابن زياد العهر ابن العهر

(الجبئرى، ٢٠٠٩:٣:٤٠٣).

نمودار ۱. تقسیم بندی ادبیات شفاهی عربی





نتیجه گیری و پیشنهادها

- با توجه به بررسی هایی که در این نوشته انجام شد، می توان نتیجه گرفت که به طور کلی پیدایش و رشد ادبیات شفاهی در ادبیات عرب سه مرحله داشته است؛ نخستین مرحله هنگامی است که ادبیات عرب دروازه های خود را به روی فرهنگ و تمدن دیگر ملل از جمله ایران و اندلس می گشاید؛ در این دوره شاهد پیدایش انواع ادبی نوظهوری هستیم که تا پیش از این سابقه نداشت: الدوبیت، موالیا و زجل نمونه هایی از آن است. مرحله دوم، در قرن هفتم اتفاق افتاده است؛



• ؛ هنگام فروپاشی خلافت مرکزی. در این هنگام ژانرهای شفاهی به سرعت فراگیر میشود و توسط کاروانهای تجاری و مغنی‌ها به سرزمین‌های مختلف اسلامی می‌رسد. مرحله سوم از قرن نهم و در دولت مشعشعیان خوزستان آغاز میشود و در قرن یازدهم به اوج خود می‌رسد. **این دوره محل امتزاج دو ادبیات فارسی و عربی است.** در دوره مشعشعیان شاعران به طرق مختلف، از جمله دانستن زبان فارسی اشتراکات مذهبی، سیاسی و همجواری جغرافیایی، با زبان و ادبیات فارسی آشنایی داشته‌اند و همین امر موجب نوآوری‌هایی در ادبیات عامیانه عربی شده است؛ سرودن موالیا در ساختارهای جدید و وجود شعر عتاب و نیز سرودن ابودیه از جمله این نوآوری‌هاست



- بحث ادبیات شفاهی عربی و ژانرهای آن در زبان فارسی مغفول مانده و به اندازه کافی به آن پرداخته نشده است لذا مطابق دسته بندی ای که از انواع ادبی شفاهی ارائه شد می توان در هر یک از آن زمینه ها به مطالعه پرداخت مضاف بر این که تأثیرات دوبیتی و رباعی فارسی بر نمونه های اولیه شعر عامیانه عربی، امکان مطالعه تطبیقی این ژانرها را فراهم کرده است. در اینجا فهرست وار به موضوعاتی که می تواند مورد مطالعه قرار گیرد، اشاره می کنیم:

تأثیرات دوبیتی و رباعی فارسی بر
نمونه های اولیه شعر عامیانه عربی

- * پژوهشی تطبیقی در ادبیات فصیح و عامیانه دوره مشعشیان و تأثیر زبان و ادب فارسی بر آن.
- * شعر کلاسیک عامیانه عربی و تأثیر پذیری آن از ادبیات فارسی.
- * **بند؛** ژانری از شعر شفاهی عربی و تأثیر پذیری آن از ادبیات فارسی.
- * تاثیر گذاری ژانر دوبیتی فارسی در شکل گیری الدوبیت عربی.
- * تاثیر خیام بر ادبیات عامیانه عربی.
- * مقایسه دوبیتی های عرفانی فارسی و عربی .
- * **موالیا؛** ژانری از ادبیات عامیانه عربی .
- * **زجل ؛** ژانری از ادبیات عامیانه عربی .
- * بازتاب ایدئولوژی و مذهب در ادبیات شفاهی عربی.
- * گردآوری حکایت های عامیانه عربی خوزستان و مقایسه آن با حکایت های مشابه فارسی.

- پژوهشی تطبیقی در ادبیات فصیح و عامیانه دوره مشعشیان و تأثیر زبان و ادب فارسی بر آن.
 - * شعر کلاسیک عامیانه عربی و تأثیر پذیری آن از ادبیات فارسی.
 - * **بند؛** ژانری از شعر شفاهی عربی و تأثیر پذیری آن از ادبیات فارسی.
 - * تأثیر گذاری ژانر دوبیتی فارسی در شکل گیری الدوبیت عربی.

- تاثیر خيام بر ادبيات عاميانه عربى.
- * مقايسه دوبيتى هاى عرفانى فارسى و عربى .
- * مواليا؛ ژانرى از ادبيات عاميانه عربى .
- * زجل ؛ ژانرى از ادبيات عاميانه عربى .
- * بازتاب ايدئولوژى و مذهب در ادبيات شفاهى عربى.
- * گردآورى حكايات هاى عاميانه عربى خوزستان و مقايسه آن با حكايات هاى مشابه فارسى.
- * مقايسه ضرب المثل هاى عاميانه عربى و ضرب المثل هاى عاميانه فارسى .

یادداشت ها

۱ • بحث مخاطب در ادبیات شفاهی از موضوعات مناقشه برانگیز در ادبیات شفاهی است. این که مخاطبان این ادبیات آیا عوام مردم هستند که عمدتاً سواد خواندن و نوشتن ندارند و یا خواص را نیز شامل است از بحث های مطرح این حوزه مطالعاتی است برای اطلاعات بیشتر رک .قنواتی، محمد. درباره ادبیات شفاهی (۴). مخاطب، منابع و انواع نثر شفاهی (کتاب ماه کودک و نوجوان ، ۱۳۸۴:۹۲).

۲. دارج به معنی رایج و آنچه که بین مردم مصطلح است. منظور از الغة الدارجه نیز مصطلحاتی است که در زبان مردم و گویش و لهجه وجود دارد نه به شکل فصیح و مکتوب. در واقع در زبان عامیانه به ازای برخی کلمات، اصطلاحاتی معادل سازی شده است که در زبان مردم رواج دارد و شکل رسمی و نوشتاری آن اصطلاح چیزی دیگر است

● ۳. پیدایش مشعشعیان به زمانی باز می‌گردد که سید محمد بن فلاح مشعشعی (م ۸۶۶) توانست با ایجاد نهضتی که با مهدیگری همراه بود، منطقه ای که از واسط عراق تا اهواز را در بر می‌گرفت، و تا پیش از این بخش وسیعی از آن تحت سیطره دولت عثمانی بود، تحت سیطره ی خود درآورد (رک، الشیبی، ۱۳۸۰:۲۸۶). بعد از روی کار آمدن سلسله صفویه، روابط حسنه خاندان مشعشیه با حکومت مرکزی، علاوه بر حوزه سیاست که منجر به آرامش سیاسی در این منطقه شد، به گسترش علم و ادب در خوزستان نیز یاری رساند. فرزندان حکام خوزستان مانند سید خلف مشعشعی و سید نعمت الله جزایری علاوه بر ارتباط با نجف، در اصفهان جزو شاگردان علامه مجلسی و ملا محسن فیض کاشانی و شیخ حرّ عاملی بوده اند (عباسی، ۱۳۷۹:۷۷).

• وجود سردمداران علم مانند سید علی خان و سید برکه خان که خود از شعرای باذوق بودند موجب رشد و گسترش شعر در این دوره شد. مخصوصاً شعرهایی که مدح و منقبت خاندان شیعه بود. علاوه بر این شاعران بسیاری در این دوره وجود داشتند که سید شهاب الدین موسوی (م ۱۰۸۷) معروف به این معتوق از جمله آنهاست. ادبیات دوره مشعشیان، در دو حوزه ادبیات فصیح و عامیانه نوآوری های فراوانی دارد و متمایزترین ویژگی آن درونمایه های شیعی است.

- ۴. برای آگاهی از ارتباط ادبیات با بازسازی و تثبیت هویت ملی، ر.ک : فتوحی، محمود، نظریه تاریخ ادبیات، بخش ادبیات ملی و هویت (سخن: ۱۳۸۷)؛ و نیز کالر، جانانان، تئوری ادبی، فصل هشتم: هویت، هویت یابی و سوژه (نشر افق ۱۳۹۰).

• ۵. محمد احمد المهدی بن عبدالله، ملقب به مهدی سودانی از فرقه متصوفه سمانیه در سودان بود. در سال ۱۸۸۱ میلادی بر ضد حکومت مصر و استعمار انگستان در سودان دست به شورش زد. قیام او تحت لوای مهدویت صورت گرفت و او ادعا کرد که مهدی موعود است. قیام او با توجه به سابقه ذهنی مردم نسبت به مهدویت و ظلم و ستمی که به آنان روا داشته می شد با استقبال فراوان مردمی همراه گردید. مهدی سودانی توانست بسیاری از قبایل و اقوام پراکنده سودانی را با هم متحد کند به گونه ای که در سال ۱۸۸۴ موفق شد خارطوم را به تصرف خود درآورد که ضربه ای به حیثیت امپراتوری بریتانیا به حساب آمد. از این تاریخ به بعد بود که مهدویت به شدت مورد مطالعه انگلیسی ها و دیگر اروپاییان قرار گرفت. مهدی سودانی در همان سال تصرف خارطوم، در اثر بیماری جان سپرد از نظر بسیاری از سودانیها او پدر استقلال سودان است.

● ۶. در این نوشته، قصد بررسی این اشعار را نداریم چرا که در زبان فارسی به آنها پرداخته شده است. عادل کنعانی زاده در کتاب جنبه های غنایی در شعر معاصر عرب در، خوزستان، در بخش قالب های غیره قصیده، ذیل عنوان قالبهای کوتاه با ذکر مثال به بررسی این اشعار پرداخته است.

کتابنامه

- ۱. آیتو، جان (۱۳۸۶). فرهنگ ریشه شناسی واژگان انگلیسی ترجمه حمید کاشانیان. تهران: فرهنگ نشر نو انتشارات معین
- ۲. آدونیس (علی احمد سعید) (۱۳۹۱). (پیش درآمدی بر شعر عربی ترجمه کاظم برگ نیسی). تهران: نشر نی
- ۳. بدری، عبده (۱۹۸۱). الشعر فی السودان الکویت: عالم المعرفة
- ۴. بلاوی، رسول (۱۳۹۲). ساختارهای صرفی در گویش عربی خوزستان آبادان: انتشارات هرمنوتیک.
- ۵. پور عباسی، عباس. (۱۳۷۹) «نگاهی به شعر عربی شیعی در خوزستان». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شماره ۷۴ صص ۷۳ تا ۸۶
- ۶. الجبوری کامل سلمان (۲۰۰۹). الادب الشعبی العراقی. بیروت: موسسه البلاغ
- ۷. الخزرجی نضیر. (۲۰۱۰). نزهة القلم (قراءة نقدیه فی الموسوعة الحسینیه). بیروت: دارالعلم
- ۸. الخالدی، محمد (۲۰۱۰). الشعر الشعبی العربی ۲ ج. بیروت: موسسه البلاغ.

- ٩. الخاقاني، علي (١٣٧٤). فنون الادب الشعبي الحلقة الاولى والثانيه قم :انتشارات المكتبه الحيدريه.
- ١٠. الرافي، مصطفى صادق (٢٠٠١). تاريخ آداب العرب .جزء الثالث، بيروت :دار الكتب العلميه
- ١١. .الذهبي، محمدرضا .(٢٠٠٤). الشعر الشعبي والغناء في العراق والجزيره العرب .بيروت :
الدار العربيه للموسوعات .
- ١٢. الساري ناصر محسن (٢٠٠٨) .ديوان الشعر الشعبي بيروت الدار العربيه للموسوعات .
سكراني فاضل (١٣٧٧) ديوان السكراني قم، انتشارات شهيد .
- ١٣. سكراني، عادل .(١٣٨٩). .گزیده هايي از شعر عادل سكراني ج ٢ تهران :انتشارات شادگان .
- ١٤. سوکولوف پوري (٢٠٠٠). فولکور قضایاه و تاریخه. ترجمه حلمی شعراوی و عبدالحمید
حواس .قاهره مكتبه الدراسات الشعبیه .

- ۱۵. شفيعى كدكنى، محمدرضا (۱۳۸۶). موسيقى شعر تهران: نشر آگه.
- ۱۶. الشمري، ربيع (۱۹۸۷). العروض فى الشعر الشعبى العراقى بى جان دار الحريره الطباع .
- ۱۷. الشيبى كامل مصطفى (۱۳۸۰). تشيع و تصرف ترجمه عليرضا قراكوالو تهران: انتشارات امير كبير ۱۸. العاكوب، عيسى (۱۳۷۴). تأثير پند پارسى بر ادب عرب. ترجمه عبدالله شريفى خجسته. تهران :
- ۱۹. انتشارات علمى فرهنگى .
- ۲۰. عزيزى بنى طرف يوسف. (۱۳۷۳). نسيم كارون. تهران: نشر آنزان .
- ۲۱. _____ (۱۳۷۲). قبایل و عشایر عرب خوزستان. تهران: ناشر مؤلف .
- ۲۲. عنایت حمید (۱۳۸۹). سیری در اندیشه سیاسى عرب: تهران: انتشارات امیر کبیر

- ۲۳. غنیمی هلال، محمد (۱۳۷۳). ادبیات تطبیقی. ترجمه و تعلیق سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی
تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۲۴. الفاخوری، حنا (۱۳۸۸). تاریخ ادبیات عرب. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: انتشارات توس.
- ۲۵. فتوحی، محمود (۱۳۷۸). نظریه تاریخ ادبیات تهران: انتشارات سخن .
- ۲۶. قنواتی، محمد (۱۳۸۴). تیر «ویژگی های ادبیات شفاهی». کتاب ماه کودک و نوجوان شماره ۹۳: صص ۷۷ تا ۸۰
- ۲۷. _____ (۱۳۸۳). «بررسی تطبیقی ادبیات شفاهی مردم فارس و عرب خوزستان». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان شماره ۳۹ صص ۲۸ تا ۴۳ .

- ۲۸. کنعانی زاده عادل (۱۳۹۱). جنبه های غنایی در شعر معاصر عرب در خوزستان. تهران: نشر شادگان.
- ۲۹. گویارد، ام. اف. (۱۳۷۴). ادبیات تطبیقی. ترجمه علی اکبرخان محمدی. تهران: پاژنگ.
- ۳۰. مکار یک ایرنا (۱۳۸۸). دانش نامه نظریه های ادبی معاصر. ترجمه مهرا ن مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.
- ۳۱. موسوی شهاب الدین المعروف بابن معتوق (۱۸۸۵). طراز البلغاء و خاتمه الفصحاء ضبط و وقف علی طبعه المعلم سعید الشرتونی اللبنانی بیروت: المطبعة الادبیه.
- ۳۲. ولک رنه و ، وارن ، آوستن (۱۳۸۲). نظریه ادبیات. ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳۳. منبع الکترونیک
<http://library.tebyan.net/newindex.aspx?>
- ۳۴. الشیبی، کامل مصطفی، الادب الشعبی مفهومه و خصائص